

بنام اهورای جان و خرد

بخشهای پایانی آئین ریشه ئی (متمم قانون اساسی) طرح پیشنهادی

انجمن پادشاهی برای فردای سربلند و آزاد ایران

متمم ۱ - (پایان رساننده) زن در سایه پادشاهی آزاد و انجمنی ایران. واژگونه (برعکس) آئین های سنتی و دینی تازی که زنان در میان گروه مردم تازی از هیچگونه حقوق مردمی برخوردار نبوده و نیستند، فرهنگ ایرانی بانگش به ریشه های رویدادی پیشینیان و رویدادهای تاریخی نشاندهنده برابری کامل دو پدیده زن و مرد می باشد.

دلایل همسانی زن و مرد در تاریخ ایران زمین ، پادشاهی سی و دو ساله همای، مرزبانان زنان که همچنان با مردان یکسان بوده اند و نشانه های آشکاری همچون گرد آفرید شیرزن مرزبان ایرانی در برابر سهراب که در جستجوی پدر از توران به میهن پدریش ایران زمین یورش آورد، آرتمیس نخستین زن دریا سالار ایرانی، بانو کیسیا فرمانده دژمرزی ایران و دیگر بانوان همراهش که در برابر سپاهیان کشتارگر خالد ابن ولید در نبرد خونین دژ زن (قلعه الامراة) و پیکار دلاورانه آنان در برابر خالد ابن ولید سرکرده تازیان خونخوار می باشد (منابع بسیاری از تاریخ تازیان در پیرامون این رویداد نگاشته اند).

و باز هم نشانه های آشکار فرهنگی در بیان برابری زنان با مردان در ایران زمین پیش از یورش تازیان را میتوان از زبان دلاور مرد فرهنگ و خرد جهانی فردوسی و با رای و گویش او یافت. هنگامی که فریدون شاه سه دختر پادشاه سرزمین یمن را که در آن روزگاران یمن نیز بخشی از امپراتوی گسترده ایران زمین بوده است برای سه فرزندش سلم و تور و ایرج خواستاری می کند ، دیده می شود که پادشاه یمن با وجود آمیختگی با خوی و فرهنگ ایرانی، از روش و اندیشه بدوی تازی نیز کنار گیری نکرده و از داشتن دختر به خود می پیچد و خویشان را به خاطر داشتن فرزند مادینه سرزنش میکند و می گوید :

زکینه به دل گفت شاه یمن که بد ز فریدون نیامد به من
بد از من که هرگز مبادم نشان که ماده شد این نره تخم کیان
به اختر کسی دان که دخترش نیست چو دختر بود روشن اخترش نیست

در اینجا دیده می شود واژگونه ادعای تازی تباران و آگهی سازان آئین تازی ، تنها تنگدستی انگیزه نفرت آنان از دخترانشان نبوده است زیرا اگر تنها تنگدستی می توانست بر انگیزاننده نفرت پدران از فرزندانشان باشد پادشاه یمن با آنهمه سرمایه و دارائی خویشان را به انگیزه داشتن دختر سرزنش نمی نمود ، بنا بر این خوی دختر و زن ستیزی از بدویت و بی فرهنگی تازیان سرچشمه می گرفته است و از روی بی خردی بوده است که پیدایش پدیده زن را در خانواده خود ننگ می دانسته اند ، به هر روی فردوسی بزرگ در این پیرامون اندیشه و سخن پادشاه یمن را در برابر آئین و فره خردمندان ایرانی می نشاند و می گوید :

چو فرزند باشد به آئین و فر گرامی به دل بر چه ماده چه نر

بازگشائی سخن گهر آمیخته فردوسی این خداوندگار و نگهبان خردایرانی و نگارنده پاک منش گاهنامه زندگی نیاکان ما ایرانیان در این پیرامون اینچنین می گوید : فرزند باید به زیور آئین ، که کنش درست و خرد و فرهنگ و اندیشه آراسته به نکوئی های خدای گونه بشمار می روند آراسته گردد و از فره که همان توانائی جهش و جنبش به سوی همه نکوئی ها بشمار می رود برخوردار باشد، و چون فرزند اینچنین باشد باید گرامیش داشت ، چه این فرزند از گونه ماده باشد و چه از گونه نر، چه زن باشد و چه

مرد. بنابراین در آئین و روش و خرد ایرانی هیچ ناهمسانی میان زن و مرد نبوده و نیست و نباید باشد، و زن و مرد باید از همه برابری ها و یکسانی های آفرینش برخوردار باشند .

برپایه این اندیشه پیشنهادی وریشه ئی انجمن پادشاهی ایران علاوه بر همگانی بودن یکسانی های زن و مرد در دست یافتن به همه هستی های همسان مردمی و ملی کشور در ایران آزاد فردا ، باید پیچیدگی های ننگین آمده از آئین یورشگر تازیان که زن آزاده ایرانی را به بردگی کشانیده است از میان برداشته شوند ، که این پیچیدگی ها در زندگی زناشویی و از ناهماهنگی زن و مرد سرچشمه می گیرند و ما در آئین ریشه ئی نوین با گشادگی به آنان اشاره و در زدودن آنها کوششی سربلندانه بکاربرده ایم.

بند بیانی ۱ - اگر زن و مرد که در همه حقوق میهنی و مردمی همسان هستند به انگیزه نا توانی در سازش بایکدیگر ، اراده بر جداشدن نمایند باید به انجمن داوری (دادگاههای انجمنی) مراجعه نموده و با بیان انگیزه ها ، رأی دادگاه انجمنی و گروه پاک منشان (هیئت منصفه) رابرای جداشدن ازیکدیگر دریافت نمایند .

بند بیانی ۲ - پس از جدائی زن و مرد ، انجمن های داوری باید با نگرش به موقعیت اجتماعی پدر و مادر ، کودکان آنان را در اختیار یکی از آنان بگذارند ، بی اینکه بخواهند از آئین و روش حق برتری به مردان بهره گیری نمایند .

تبصره ۱ - حق برتری مردان تنها به انگیزه مرد بودن برای نگهداری فرزندان ، یک اندیشه بربری بشمار میرود و در آئین ریشه ئی نوین بکلی نا آدمی شناخته شده و بی بها می باشد و هرگز در جامعه نوین ایران زمین نباید بکار گرفته شود ، برتری همانا در برتری آئین و فر آدمی می باشد و نه در چگونگی پیکره آفرینشی آنان .

بند بیانی ۳ - اگر مادران بخواهند از فرزندان خود نگهداری نمایند برتری نگهداری فرزندان از آن ایشان خواهد بود ، آنچه انکه آفرینش نیز نگهداری از جان گرفتن و آرامگاه نخستین نوزادان را در شکم مادران جای داده است و از خون وریشه جان مادران آنان را پرورش می دهد و تا مین زندگی نخستین آنان پس از چشم گشودن به جهان را نیز در پستانهای مادران نهفته و بهبود پرورش آنان را در سایه مهربانی فداکارانه مادران جای سازی نموده است ، بنابراین پس از جدائی زن و مرد اگر زنان بخواهند، نگهداری از فرزندان جزء دارائی و حقوق آسیب ناپذیرایشان به شمار میرود .

بند بیانی ۴ - اگر مردی توانائی کافی مالی داشته باشد ، پس از بررسی برچگونگی توانائی مالی آن مرد در انجمن داوران ، با دیدگاه و برآورد انجمن داوران باید آن مرد ماهیانه مبلغی که کفاینده هزینه فرزندانش باشد به فرزندان خود بپردازد .

بند بیانی ۵ - اگر زن کار نکند و پرداخت ماهیانه مرد نیز بسنده اداره زندگی آرام بخش آنان نشود دولت پادشاهی آزاد ایران باید برابر تبصره های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ از بند نخستین آئین ریشه ئی با آنان رفتار نماید .

بند بیانی ۶ - اگر زنان جداشده از همسرانشان به انگیزه گزینش همسر نوین یادشواریهائی که انگیزه آنان برای انجمن های داوری روشن باشد ، نخواهند فرزندان خودرا نگهداری نمایند، در این صورت حق نگهداری از فرزندان با پدران خواهد بود .

بند بیانی ۷ - اگر مردان نیز به انگیزه گرفتن همسر نوین و بیم از بد رفتاری آن همسر تازه با فرزندانشان نتوانند آنچه انکه شایسته است از فرزندان خود نگهداری نمایند دولت پادشاهی آزاد ایران باید برای اینگونه کودکان خانه و پرستاران کارآزموده (نه پرورشگاه بلکه یک زندگی آزاد) و مهربان با همه امکانات شایسته فراهم آورد که در پرورش و آموزش این فرزندان میهن ، دور از آشوبها و درگیری های پدر و مادر همت گمارند و آنان را برای فردائی سربلند آماده نمایند .

تبصره ۲ - دولت پادشاهی انجمنی ایران باید خود در همه موارد نقش مادر و پدری مهربان رابرای مردم ایفا نماید و سرمایه های مردمی باید برای شیوه های پرورشی زبینه و روش های آموزشی درخشان فرزندان این آب و خاک بکار گرفته شود . آئین نامه نگرش بر زندگی خانواده نیز چه از دیدگاه تاریخی و چه از دیدگاه فرهنگی، از نیاکان پیش از اسلام ما گرفته شده است و همان شیوه ئی است که پس از آمدن تازیان به دست نابودی و هزگی اندیشه بربری تازی سپرده شد و خانواده ایرانی در ژرفنای نا بسامانی های بیگانه ئی بدخیم و فرهنگ سوز گرفتار آمد .

بوذرجمهر دانا در برابر نوشیروان جهان آرا می گوید :

دبیری بیاموز فرزند را چو هستی بود خویش و پیوند را

چو خواهی که رنج تن آید به سر ز آموزگاران میرتاب سر
دیبری رساند جوان را به تخت شود ناسزا زو سزاوار بخت

این همان اندرز و آئین کهن ایرانیان آگاه است که خویش و پیوند و سرتاسر انجمن و گروه های مردمی را فرا می خواند تا در آموزش و ساختن فرزندان و سزاوار بخت یا نیکبخت سازی ناسزایان بکشند و بحوشند و ناسزایان را به سزاواران انجمن مردمی خود بازگردان نمایند .

نمایندگان انجمن رایزنان و دستجات و گروه ها(احزاب) و گزینش نخست رایزن

بند بیانی ۱ - نخست رایزنان (نخست وزیران) از میان نمایندگان انجمن رایزنان (مجلس شورا) و باگزینش و بدست آوردن بیشترین آراء از سوی نمایندگان انجمن رایزنان می توانند به این جاه برگزیده شوند .

بند بیانی ۲ - نمایندگان ، یا گروهی (حزبی) و یا آزاد و نا وابسته به گروهها می توانند با رأی آگاه و گزینش مردم به انجمن رایزنان راه یابند و نخست رایزن نیز به همین گونه در یک گزینش همگانی از سوی مردم ، نخست به نام یکی از نمایندگان مردم به انجمن رایزنان راه خواهد یافت ، سپس در یک گزینش همگانی که باید در میان نمایندگان انجمن رایزنان انجام گیرد یکی از نمایندگان برگزیده مردم در انجمن رایزنان با بدست آوردن بیشترین رأی نمایندگان انجمن رایزنان ، به نخست رایزنی (نخست وزیری) برگزیده خواهد شد .

بند بیانی ۳ - هریک از نمایندگان پارلمان می توانند برای رسیدن به نخست رایزنی نام نویسی نمایند و سرانجام بیشترین شمار آراء نمایندگان انجمن رایزنان سرنوشت گزینش نخست رایزن را روشن خواهد نمود .

تبصره ۱ - این تنها گروههای (احزاب) دارای بیشترین شمار نماینده در انجمن رایزنان نیستند که میتوانند مدعی نخست رایزنی کشور باشند بلکه دست یافتن به جاه نخست رایزنی بستگی به شایستگی و برنامه های ارائه داده شده از سوی خواهان این سمت به انجمن رایزنان می باشد، زیرا ای بسا زن یامردی به انجمن رایزنان وارد شود که بسیار آگاه تر از دیگران اما وابسته به آن گروهی (حزب) که بیشترین شمار نماینده را در انجمن رایزنان دارند نباشد ، و یا آن نماینده آگاه تر و درخور جاه نخست رایزنی بگونه ئی آزاد و نا وابسته به گروهها (احزاب) و بارأی مردم وارد انجمن رایزنان شده باشد ویا مردویازنی شایسته تر از همگان در میان گروهی (حزبی) که از شمار اندک رایزنان برخوردار (حزب اقلیت) است باشد ویا ارائه برنامه بهتر و شایستگی های بیشتر بتواند رأی دیگر نمایندگان از دیگر گروهها را نیز برای بدست آوردن جاه نخست رایزنی به دست آورد، (با شایستگی اندیشه و خرد سرزمین مداری) در این صورت هر آن کس که بتواند بیشترین شمار آراء رایزنان راه یافته به انجمن رایزنان را به دست آورد به نخست رایزنی کشور پادشاهی انجمنی ایران دست خواهد یافت. (ای بسا هنگامی فرا رسد که نیروی فرهنگی و مردم یاری فرزندان کشور ما به جایگاهی دست یابد که خود خواهی های گروهی و جاه جوئی های دستجاتی جای خود را به راست نگری و ایران دوستی و فرهنگ نیائی ما بدهند . در این هنگام خواهد بود که دستجات برخوردار از بیشترین شمار رایزنان نیز به کسی برای رسیدن به جاه نخست رایزنی رأی خواهند داد، که شایستگی دارد و نه وابستگی) .

تبصره ۲ - اگر یکی از نمایندگان انجمن رایزنان با شمار رأی دو برابر آراء نماینده پس از خودش که دومین شمار رأی بالارا دارد به نمایندگی انجمن رایزنان رسیده باشد ، این نماینده انجمن رایزنان بی اینکه بخواهد از سوی نمایندگان انجمن رایزنان به نخست رایزنی برگزیده شود ، به انگیزه همراه داشتن رأی دو برابر مردم به حاه نخست رایزنی (نخست وزیری برگزیده خواهد شد)

کیفرهای بایستنی برای بزه های ریشه ئی

تبصره ۱ - دولت پادشاهی ایران باید انجمن هائی را بنام انجمن های بررسی به بزهکاران فراهم آورد که کار این انجمن ها نگرش و بررسی به بزهکاری های درون مردمی و بهره گیریهای نادرست مردم از آئین های مردمی و ستیزبا بندیاندهائی از آئین ریشه ئی خودشان می باشد .

بند بیانی ۱ - اگر برای دولت پادشاهی انجمنی ایران آشکار گردد که کسانی با داشتن امکانات دارائی و کار و کوشش وبی نیازی دارائی ، از داد و دهش های مردمی دولت بهره برداری بد نموده و از تبصره های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ یاری های مردمی بهره برداری نا بایستنی کرده اند، آن کسان باید به انجمن های داوری فراخوانی شوند و برابر آئین نامه بزه کاران به کیفر برسند .

بند بیانی ۲ - اگر کسانی از مردم پس از اینکه در کلاسهای آموزش گزینش نمایندگان آموختند که یک گزینش درست برای خدمات مردمی تا به چه اندازه درساختن زندگی مردم و آینده ایران زمین کارساز و آفریننده توانائی و برخوردار از اهمیت می باشد و باداشتن اینگونه آگاهی ها و دست یافتن به دیپلم رأی دهندگی دست به کاری نادرست در گزینش نمایندگان انجمن رایزنان و یا هریک از انجمن های دیگر شهری و ایلی و روستائی و یا هرانجمن دیگری بزنند ، ویا بد آئینی نموده و آراء دیگران را برای خود ویا نمایندگان دوست داشتنی خود ویا هرکس دیگر خریداری نمایند و در فریب دادن مردم برای دادن رأی به شخص دوست داشتنی و مورد دیدگاه خود دست داشته باشند و آراء کسانی را به هر گونه ئی که باشد برای کسان دیگر خریداری ویا در رأی ستانی بازار یابی نمایند ، کیفر اینگونه بزهکاران کمتر از کیفر دزدان و یا کشندگان تنی از مردم نخواهد بود و باید برای همیشه از میان مردم دور گردند و در شهرک ها و یا روستاهای در بسته ویژه بزهکاران در تنهائی نگهداری شود، زیرا اینگونه بدکرداران با بنا نهادن و کاشتن ریشه ها و تخمه های بدکرداری و در هم شکستن یکی از ارزشمند ترین آئین های سازنده مردمی، به جنگ با نیکبختی مردم و دارایان شایستگی خدمتگذاری در جامعه برخاسته و برای نابودی همه نیکی های درون مردمی برپا می خیزند و باکشتن زیبائی های آزادی و براندازی آئین های سازنده و مردمی، بند ها و تبصره های مندرج در آئین ریشه ئی را زیر پا می گذارند، و سرمایه های کشور و مردم را به کشتار گاه خودخواهی و نا درستی می برند و دست به کشتن شایستگی ها می زنند، که با این گونه کردار، کارشان از کشتن یک تن از مردم و یا یک تن از شهروندان، بزه آلوده تر می باشد .

کیفرهای کارداران بزهکار

بند بیانی ۱ - اگر پس از بررسی دادگاههای انجمنی روشن و آشکار شود که هریک از نمایندگان انجمن رایزنان ویا نخست رایزنان و یا وزیران انجمنی (دستوران) و یا فرماندهای ارتش و نیروهای سه گانه ارتش و شهربانی و ژاندارمری و یا داوران و دادیاران دادگاهها ی انجمنی ، یا استانداران و فرمانداران و شهرداران و یاسرپرستان شوراها و کسانی که با بهره گیری از آراء مردم سمت و جاهی به دست می آورند و در رده های بالای کشور جای می گیرند کاری برواژگونه آئین های مردمی و آئین ریشه ئی (خلاف قانون اساسی و قوانین جامعه) انجام داده اند باید آنچنان که در آئین ریشه ئی آمده است بنام یک آئین شکن و مردم ستیز او را برخوردار از بادافره دانست ودر خانه های تنها در شهرک های بزهکاران از میان مردم دور ساخت اینگونه کسان که از باور مردم بهره بد می گیرند باید در شهرک های بزهکاران هر هفته دو روز کار سنگین رایگان نیز برای دیگر بزهکاران ویا سازمان های آموزش و فرهنگ رسانی به بزهکاران انجام دهند، تا در کشور پادشاهی ایران هیچ اداره کننده ئی هرگز در اندیشه بد کرداری و بهره برداری های نا درست از باور مردمی در نیاید .

بند بیانی ۲ - اگر پادشاهان نیز خدای نا خواسته از فره ایزدی به دور مانند و آئین ریشه ئی مردم را که پیمان پادشاهان با مردم بشمار می رود زیر پای گزاردند، باید در یک رأی ستانی مردمی ۱۱ تن داور از میان آگاه ترین و میهن یار ترین مردم برگزیده شوند و در یک داوری نه آشکار بلکه به دور از دیدگان همگان پادشاه را در برابر پرسش بگذارند و چنانچه پادشاه بزهکار شناخته شود رأی خود وانگیزه های آن رأی را به مردم بیان نمایند آنگاه با خواست مردم پادشاه را از کار برکنار نموده و فرزندش را برابر بند بیانی ۱۴ و تبصره ۷ از بند هشتم ، پادشاه ، به جای آن پادشاه برگزینند.

تبصره ۱ - انگیزه پنهانی بودن پرسش و کیفرخواهی از پادشاهان بزهکار همانا گرامی داشت تاریخ کهن ایران زمین می باشد که واژه پادشاه در فرهنگ و کیان مردم ما رمز پاکی و اهورا منشی و پدر مردم بودن می باشد ، و چون بزه نماید باید به پاس گرامی داشت تاریخ و فرهنگ قومی برای این پدر خانواده ایرانی راز داری بکار برده شود و اونیز بگونه ئی که پدران بزهکار به کیفر می رسند پاداش به بیند ، زیرا فرزندان خوب و آزاده هیچ خانواده ئی هرگز پدران راه نادرست پیموده را در برابر دیدگان بیگانگان رسوا نمی کنند که این رسوائی ، رسوائی خود آنان و رسوائی خانواده شان به شمار خواهد آمد .

نام و نشان مردم ایران آزاد

بند بیانی ۱ - کشور پادشاهی ایران باید آموزش کده هائی برای مردم فراهم آورد و به آنان بیاموزد که هیچ مردمی در جهان نتوانسته اند به سربلندی و آزادی و آزادگی دست یابند مگر فرهنگی آزاد و رها شده از بیگانه داشته باشند ، بنا براین برخوردار بودن از نام و نام خانوادگی ایرانی و نا آلوده زیستن از راه نام و نشان نیرمی تواند در رهائی اندیشه و خرد ایرانی و ایرانی اندیشی مردم و پیشرفتهای مردمی کارائی و سازندگی چشمگیری داشته باشد ، از اینرو دولت پادشاهی ایران باید راه دگرگون سازی نام و نام های خانوادگی مردم ایران را از نامهای تازی و بیگانه فراهم آورد و راههای درست را بگونه ئی که در آینده انگیزه گسترش بدکرداریهای کسانی که نامهای خود را دگرگون می کنند در میان مردم نشود پیش پای مردم بگذارد .

بند بیانی ۲ - باید رادیو ها و رسانه های شهر و روستا با همه توان در روشن سازی و گشودن اندیشه مردم برای بازگردانی نام و نام خانوادگی ایرانیانی که نامهای نا ایرانی دارند به نام های ایرانی برنامه ریزی درست بنمایند و مردم را به سودمندی داشتن نامهای ایرانی که گام نخستین برای ایرانی اندیشیدن است آگاه نمایند .

تبصره ۱ - این کار نباید بگونه ئی نا خواسته انجام پذیرد و هر ایرانی که بخواهد از نامهای بیگانه نیز بهره بگیرد و پذیرای ننگ نام بیگانه باشد در این پیرامون آزاد خواهد بود .

بند بیانی ۳ - دولت پادشاهی ایران باید برای پسران و دختران بی سرپرست کشور ، خانه های دولتی و با بهترین شرایط زیر نظر سرپرستان مهربان و دلسوخته فراهم آورد و ابزار آموزش و پرورش آنان نیز باید به بهترین گونه و آنچه که برای فرزندان توانایان و داراییان و دیگر مردم فراهم میشود فراهم گردد ، نام گذاری اینگونه کودکان بی سرپرست باید زیر دیدگاه دولت پادشاهی باشد و نام اینگونه کودکان باید از نامهای ناب و نا آلوده ایرانی و از فرهنگ ایرانی برگزیده گردد .

بند بیانی ۴ - کارگزاران کشور پادشاهی ایران باید با یاری گرفتن از دانشوران و خرد پژوهان نامهای ناب و نا آلوده ایرانی را در کتاب های ویژه گرد آوری نموده و رایگان در دسترس مردم روستا و ایل و شهر بگذارند و در گسترش نخستین گام بازگشتن به خود و ایرانیت گامهای بایستنی را بردارند .

تبصره ۲ - کارگزاران کشور پادشاهی ایران باید برای کسانی که در گذشته نامهای نا ایرانی و آلوده با فرهنگ و مرام بیگانه داشته و دارند راههای آسان بازگشت و دگرگونی نام و نشان بیگانه به نام و نام خانوادگی ایرانی را فراهم آورند .

بند پایانی - امید و اندرز ی راستین به راستین فرزندان آریابوم ، ایران زمین است : هرگز هیچ آرمانی تنها با آرزو و سخن گفتن از آن آرمان جامه کردار برتن نکرده است ، آرمان های بزرگ با کوششی بزرگتر جامه کردار برتن کرده و میکنند ، آنچه در آئین ریشه ئی

پیشنهادی آنجمن پادشاهی ایران آمده است یکی از بزرگترین آرمانهای راستین مردم ما ، در درازای همه گاه های زندگی نیاکانمان تا کنون بشمار می رود ، بزرگترین آرمانی که مردم ما به راستی شایستگی دست یافتن به همه زیبایی های آن رادارند و باید پذیرفت که این بزرگترین و زیبا ترین آرمان تاریخ زندگی آزادگان ایران زمین، که از فرهنگ و خرد بی همانند و کهن آریابومی نیز گرفته شده است به بزرگترین و زیباترین کوشش ها نیز نیازمند است .

بیگمان فرزندان خوب ایران بزرگترین و زیباترین کوشش خود را برای استواری این آئین بکار خواهند برد .